



- غمنامه آژاکس جستجوی آزادی آدمی است در برابر ستم دوگانه‌ای که از او نه فرزاندگی و بایستگی انسانی که اطاعت و زبونی می‌طلبد.
- برداشت صادقی از آژاکس و تجسم تاتری آن نمایش را از سطح يك تراژدی محدود و يك كار كلاسیك به زمان معاصر پیوند می‌دهد.

... زمینه درستی برای فضای حادثه به دست می‌دهند. آژاکس به کارگردانی صادقی از بازیگری درخور برخوردار نیست. جز «شهره لرستانی» در نقش «تکسا» زن آژاکس که در برخی از صحنه‌ها از جمله صحنه بازگرداندن ملاحان ترسیده می‌درخشد و «حسین خلیلی‌فر» به نقش سرآهنگ که با نمایش خاصی کارکردهای متفاوت سرآهنگ را ارائه می‌دهد، بازیگران در ارائه بازی همسنگ نمایش چندان موفق نیستند. از لحظه‌های درخشان نمایش حضور سرد، خاموش، سنگین و انتقامجوی آتنا است در صحنه خودکشی آژاکس. حضور آتنا در این صحنه نشانه‌ای از شهبوت انتقامجوی شکنجه‌گرانی است که زجر و درد قربانی خویش را به نظاره می‌نشینند تا از این رهگذر به‌خویشتن ثابت کنند که

**تراژدی آژاکس**  
 نوشته: سوفوکل  
 مترجم و کارگردان: قطب‌الدین صادقی  
 محل اجرا: تالار اصلی تاتر شهر  
 زمان اجرا: آبان‌ماه

**آژاکس**  
 نوشته: سوفوکل  
 کار: آتیلا پسیانی  
 محل اجرا: سالن چهارسو تاتر شهر  
 زمان اجرا: آبان‌ماه

فرج سرکوهی

# آژاکس تراژدی انتخاب‌های بزرگ اجتماعی

می‌نشیند. چنین گزینشی نه انتخابی صرفاً دراماتیک که انتخابی اجتماعی نیز هست و از این رو آژاکس تراژدی انتخاب‌های بزرگ اجتماعی در دورانی متلاطم تاریخی است. اجرای «دکتر صادقی» از آژاکس، به‌رغم کاستی‌هایی که به‌ویژه در ظرفیت بازیگران رخ می‌نماید، جوهر اثر را به خوبی بر صحنه تاتر به‌نمایش می‌گذارد.

برداشت صادقی از آژاکس و تجسم تاتری آن به یاری میزاسمن، نور، صحنه و سبک بازیگری نمایش را از سطح يك تراژدی محدود و يك كار كلاسیك به زمان معاصر پیوندی دهد و از طیفان آژاکس علیه «آتنا» «آگمنون» و «میتلائوس»، عصیان انسان عدالت‌جوی را در برابر نظامی آریستوکراتیک بر صحنه می‌آورد. اگر آریستوکراسی یونانی عصیان آژاکس را سرنواشی جز شکست محتم می‌شناسد و برای او بدنامی و زبونی ابدی و مطلق را رقم زده است، خودکشی آژاکس و اعاده حیثیت او در اجرای صادقی چنان برجسته می‌شود که شکست را به‌همان نظام ارزشی ستمگر برمی‌گرداند. صادقی کار ویژه متنوع همسرایان و نقش مهم سرآهنگ را به‌خوبی ارائه داده و با بهره‌گیری از سبک بازیگری، خشونت فضا و ریتم مناسب، تصویری زیبا از جدال آژاکس با قدرتمندان را به‌چشم می‌کشد. همسرایان چون سرپاز، خردنویسنده، سخنگوی جماعت، تماشاچی، عنصر صحنه

تراژدی «آژاکس» تراژدی طغیان آدمی در برابر اراده خدایان «المپ» و شاهان زمینی است. تراژدی-عصیان آدمی است در برابر تقدیر گریز ناپذیر المپی و ضرورت بی‌برگشت زمینی. درگیری آدمی است و معرفت، توانایی و بایستگی او با نظامی از ارزشهای سلسله مراتبی که خود را مراتر از خواست و اراده آدمیان و علیه آنها، تردید ناپذیر، جاودانه و مطلق می‌پندارد. غمنامه حماسی آژاکس جستجوی ازادزیستن است و تحقق اراده انسان در برابر ستم دوگانه‌ای که از او نه فرزاندگی و بایستگی انسانی که اطاعت و زبونی می‌طلبد. اگر بپذیریم که «موقعیت تراژیک» موقعیتی است که در آن نظامهای ارزشی متضاد، در کالبد آدمیان توانمند، به‌جدال پایکدیگر برمی‌خیزند و بافت دراماتیک تراژدی از این درگیری است که شکل می‌گیرد. اگر بپذیریم که چنین موقعیتی بازتاب آن دوره‌هایی از تاریخ است که در آن نیروهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و ارزشی به‌جدال مرگ و زندگی برمی‌خیزند. «موقعیت تراژیک» را می‌توان «موقعیت انتخاب» تعریف کرد، چرا که آدمیان در آن به‌ناگزیر سوئی را برمی‌گزینند و متناسب با ساخت ذهنی و روانی و جایگاه اجتماعی خود جبهتی را انتخاب می‌کنند. قهرمان تراژدی از رهگذر این انتخاب و همسوئی یا نظامهای درگیر، از راه کردار خود، به تعریف خویشتن

قدرتشان را پایانی نیست.

بازی آژاکس کار «آتیلا پسیانی» در سالن چهارسو بیشتر نشانه يك نوآوری شکست خورده است. و دلیلی بر این مدعاست که نوگرایی اگر از محتوای غنی برخوردار نباشد، اگر فرم را اندیشه‌ای درخور همراهی نکند. نوآوری، حتی از ارائه فرمهای چشم‌نواز نیز در می‌ماند. پسیانی متن درست و کاملی از آژاکس را در دست نداشته است و شاید این خود دلیلی برای برداشت ناقص آواز اثر باشد.

نثر متن پسیانی هرچند از نثر متن صادقی روان‌تر و شیواتر است اما ترجمه، ترجمه‌ای امانت‌دار نیست. طغیان آژاکس و تقدیراوه که جوهر تراژدی سوفوکل است، در کار پسیانی به‌حد شورش انسانی سرکش‌گاهش می‌یابد و خود تراژدی نیز به يك روایت ساده سقوط می‌کند. سبک بازیگری پسیانی هنوز در همان روال تاتر تجربی سالیان پیش است بی‌آنکه زیبایی فرم و یا نوآوری آن دوره را داشته باشد. حضور طبال-سوفوکل برصحنه، ماسکها، حرکات سنگواره‌ای

● حضور سرد، ساکت، سنگین و انتقام‌جوی آتنا در صحنه خودکشی آژاکس از لحظات درخشان اجرا است.

● جوهر تراژدی در کار پسیانی به‌حد شورش انسانی سرکش‌گاهش می‌یابد و خود تراژدی نیز به يك روایت ساده سقوط می‌کند.

فرمها برگرفته شده از خدایان مصری برای الهه آتنا... نیز نمی‌تواند نمایش رانجات دهد. اگر در هر تراژدی حضور یا عدم حضور هر عنصری دلیلی ضروری یازد برای تفسیر صحنه نمایش از خاک تراوا به‌عشره کشتی جز آنچه دربروشور آمده است دلیلی نیست «ما این صحنه را بر روی‌عشره کشتی بنا کردیم تا گرمای نفس تماشاگر ما را از میان امواج به‌ساحل مقصود بکشاند» و چنان کلام آنکه تراژدی سوفوکل نه برای بازی ملاحان در ۸۰ دقیقه که برای اجرایی جدی تاتری نوشته شده و آنچه می‌توانست و می‌تواند جوهر آن را پدیدار کند نه «نفس تماشاگر» که شناخت بیشتر اثر است. هرچند که خوب یا بد تاتر ما از رهگذر همین تجربه‌های جسورانه و پویا است که می‌تواند بیابد.

گفتگو با دکتر صادقی مترجم و کارگردان آژاکس

# جوهر تاتر بازیگری است



دکتر قطب‌الدین صادقی کارگردان آژاکس که اجرای آن را در تاتر شهر و هم‌زمان با اجرایی دیگر از آتیلا پسیانی شاهد بوده‌ایم درباره این تراژدی و اجرای آن به بازیگری دانشجویان تاتر با آدینه به‌گفتگو نشستیم. نوشتار زیر حاصل این گفتگو است.

● در آبان‌ماه و در تاتر شهر شاهد دو اجرا از يك متن واحد یعنی «آژاکس» هستیم به کارگردانی شما و آقای «آتیلا پسیانی» به گمان شما چنین رخدادی در تاتر ما چه علل و تاثیراتی می‌تواند داشته باشد؟

من از این تصادف خوشحالم. خوب است که به يك اثر واحد، دو نگاه متفاوت داشته باشیم. این نشانه نوعی تحرک و پویایی است که امیدوارم در جامای دیگر هم رسم شود.

● تراژدی آژاکس پیش از این ترجمه شده بود. شما مجدداً آنرا ترجمه کردید چه نیازی این‌ترجمه‌مجدد را سبب شده است؟

دلیل اینکه من آژاکس را ترجمه کردم آن‌بود که در ترجمه قبلی نارسائیهایی بسیاری وجود داشت تا جایی‌که قبلاً سه آهنگ کلا حذف شده است... من در ترجمه آژاکس اصل را بر امانت و زلالی و حفظ ریتم گذاشتم. به نظر من در اثری که برای اجرا نوشته‌می‌شود جنبه‌های تاتری باید بر جنبه‌های نثری ترجیح داشته‌باشد. من نه کلمه‌ای بر متن افزودم و نه کلمه‌ای از آن کاستم. سعی کردم فضای اصلی اثر و فرهنگ اصلی آن را حفظ کنم. فقط يك جمله را حذف کردم. سوفوکل در جایی می‌گوید «آژاکس مانند گاو مویه می‌کرد» در فرهنگ یونانی «چون

● در بازیگری ما بازیگر بدن، موقعیت، اندیشه و حس کاراکتر را بازی می‌کند.

● بازی حرفه‌ای‌های ما کلیشه‌ای و قراردادی است.

● در اجرای آژاکس به دنبال اندیشه «تاتر فقیر» بودم.

گاو مویه‌کردن، افه تراژیک دارد اما در زبان و فرهنگ ما ممکن بود این جمله بیشتر افه کمیک به‌وجود آورد به‌رحال مسأله اصلی برای من آن بود که ریتم را حفظ کنم و بیشترین تاکید من در ترجمه آژاکس بر زلالی مفهوم و حفظ ریتم اثر بود.

● عنصر مهم همسرایان در تراژدی‌های یونانی کارکردهای گوناگون دارند. وجود آنان به‌عنوان بیانگر شعور جماعت و خردنویسنده به‌رحال نشانه نوعی «فاصله‌گذاری» در تراژدی‌های یونانی است. حتی با در نظر داشتن برداشت بالا بین سبک بازیگری در اجرای شما یعنی تاتر «الیزابتین» و حرکات مقطع، بریده، خشک و نظامی‌گونه همسرایان تضادی نمی‌بینید؟

در ایران تراژدی‌های یونانی بسیار بد معرفی شده‌اند. وجوه متنوع تراژدی و عناصر آن مثل همسرایان تا به حال کامل کار نشده است. در تراژدی‌های یونانی همسرایان می‌رفسند، آواز می‌خوانند، دیالوگ دارند، گفتگو می‌کنند، گاه فقط تماشاچی هستند، گاه داوری می‌کنند، ارتباط با بازیگرها را